

بیانات فرمانده کل قوا در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران - 19 بهمن / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشحالم که بحمدالله در موعد هر ساله بار دیگر با شما برادران، فرزندان، جوانان عزیز، از نیروی هوایی سرافراز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ملاقات میکنم. خیلی خوش آمدید همهتان. سرودی هم که اجرا شد، شعر خوب، آهنگ خوب، اجرا خوب، مضامین عالی؛ انشالله که دل‌های ما و شما همواره برخوردار باشد از نفحات رحمت و هدایت الهی که این مهمترین پشتوانه است.

با یک نگاه متعارف و معمولی به نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول این سال‌های متمادی، انسان حقایق مهمی را درک میکند. یک روزی بود که شما حتی یک قطعه‌ی هواپیماهایی را که در اختیار داشتید، نمیتوانستید و اجازه نداشتید تعمیر کنید و روی آن کار کنید. امروز شما هواپیمای آموزشی میسازید؛ جنگنده میسازید؛ شبیه‌ساز میسازید؛ کارهای مهم راداری انجام میدهید؛ قطعه‌های پیچیده را تولید میکنید. جریان عظیم استعداد و عشق و ابتکار و حرکت در جهت خودباوری و خودکفایی در نیروی هوایی، در کل ارتش، در دست نیروی‌های مسلح و در سراسر کشور، یک جریانی است که امروز حتی مخالفین جمهوری اسلامی، دشمنان جمهوری اسلامی هم نمیتوانند منکر آن بشوند. نظام سلطه که به کمک زر و زور و به کمک سلاح و تهاجم نظامی تلاش کرده بود اختیار ملت‌ها را و کشورها را در سراسر دنیا در دست بگیرد و بیاوراند که ملت‌ها بدون تکیه‌ی به ابرقدرتها و صاحبان زر و زور - که پشت سرشان هم کمپانی‌های صهیونیستی و غیرصهیونیستی صف کشیده بودند - نمیتوانند راهی به عظمت و شخصیت و هویت و استقلال پیدا کنند، شما این را در هم شکستید. امروز شما ملاحظه کنید؛ ملت ایران را مقایسه کنید با ملت‌هایی که سی سال در سیطره‌ی قدرت آمریکا بودند؛ ببینید شما کجایید، آنها کجایند. ملت ایران سی سال حرف مستقل خود را گفت؛ سخن حق خود را تکرار کرد؛ به سلطه‌گران «نه» گفت و اینجاست. ملت‌هایی، ملت‌هایی هستند و بودند که در این سی سال در سیطره‌ی آمریکا بودند - دولت‌های سرسپرده‌ی آمریکا که ملت‌هاشان را زیرپای سلطه‌گران انداخته بودند - آنها هم هستند؛ ببینید آنها کجایند، شما کجایید. ملت ایران با حرکت خود، با استقلال خود، با خودباوری خود، با توکل به خدا، اثبات کرد که میتوان و میباید در مقابل سلطه‌ی بیگانگان و سلطه‌جویان ایستاد و میتوان ایستاد. این را ملت ایران اثبات کرده است. سی سال پیش ملت ایران در قافله‌ی علم و تمدن و پیشرفت و فناوری و نفوذ سیاسی کجا بود؟ امروز کجاست؟ به برکت ایستادگی، به برکت توکل به خدا، به برکت به میدان آوردن همه‌ی استعدادهای خود؛ این یک تجربه است؛ هم برای خود ملت ایران و نسل‌های آینده تجربه است، هم برای ملت‌های دیگر تجربه است و نیروی هوایی جمهوری اسلامی یکی از نمونه‌هاست در این ایستادگی و حرکتی که متکی به خودباوری بود. این را باید ادامه بدهیم، ما ملت ایران باید این را ادامه بدهیم. این راه، راه پربرکتی است.

دشمنان ملت ایران در این سی و چند سال هر چه در توان داشتند، علیه این ملت به کار گرفتند؛ چیزی در چننه ندارند که علیه ملت ایران به کار نگرفته باشند؛ تحریکات کردند، جنگ راه انداختند، از دشمن جمهوری اسلامی با همه‌ی توان حمایت کردند، معارضه‌ی سخت کردند، معارضه‌ی نرم کردند؛ هر چه در توان داشتند، با این ملت مبارزه کردند؛ اما ملت ایستاد، ایستادگی کرد؛ نه فقط نتوانستند او را به زانو در بیاورند و بشکنند، نتوانستند جلوی پیشرفت او را بگیرند - این ملت پیشرفت کرده است - از هر کاری که در اختیارشان بود و میتوانستند، استفاده کردند؛ توطئه کردند، کودتا راه انداختند، تحریک نظامی کردند، حمله به هواپیما کردند، تحریم‌های سخت و شدید کردند؛ روزبه‌روز تحریم‌ها را زیاد کردند، به امید اینکه بتوانند ملت را از صحنه خارج کنند؛ بتوانند ملت را ناامید کنند؛ بتوانند ملت را نسبت به اسلام و جمهوری اسلامی بدبین کنند؛ اما ناکام ماندند. این کارنامه‌ی جمهوری اسلامی است.

این روزها، روزهای دهی فجر، فرصت خوبی است که فرزندان ما، آگاهان ما، جوانان ما، آحاد ملت ما به ارزیابی کاری که در این سی و چند سال کرده‌اند، پردازند؛ ببینند پیشرفت‌های خودشان را؛ ببینند تلاش موفق خودشان را؛ ببینند کمک‌های الهی را؛ ببینند ضعف مکر دشمنان را؛ که «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین». (1) این شد يك دستور العمل کلی برای ما که ببینیم راه آینده‌مان را چگونه باید انتخاب کنیم. شما در نیروی هوایی با همین نگاه، با همین جهتگیری حرکت کنید؛ پیش بروید. بخشهای مختلف کشور، آحاد ملت، مسئولان کشور با این نگاه حرکت بکنند.

البته دشمن اذیت میکند، آزار میکند، اما جز اذیت و آزار کاری از او بر نمی‌آید. عرض کردم چند روز قبل از این، خدای متعال می‌فرماید: «لن یضروکم الا اذی»؛ (2) کار آنها این است که به شما آزار برسانند، اما نمیتوانند جلوی شما را سد کنند، نمیتوانند راه شما را ببندند. این همه آمریکایی‌ها در طول این سی سال علیه ملت ایران رجزخوانی کردند، هرچه در توان داشتند گفتند، کردند، تبلیغ کردند، امپراطوری خبیث رسانه‌ای را علیه ملت ایران به کار گرفتند؛ نتیجه این شده است: امروز ملت ایران به فضل الهی از همیشه شاداب‌تر، عازم‌تر، جازم‌تر، فعال‌تر، شکوفایی بیشتر در عرصه‌های مختلف را دارد مشاهده میکند؛ سعی آنها این بوده است که ملت را از نظام جمهوری اسلامی، از انقلاب جدا کنند. هر سال در 22 بهمن، ملت ایران با حضور خودشان در این عرصه‌ی نمایش عمومی ملی و انقلابی، دشمن را ناکام کردند؛ سعی‌شان این است که ملت را جدا کنند. وزیر خارجه‌ی بی تجربه‌ی قبلی آمریکا صریحاً گفت که ما این تحریم‌ها را برای این می‌گذاریم که مردم ایران را در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار بدهیم؛ ملت ایران جواب آنها را در حرکات خود، در راهپیمایی‌های خود داده‌اند و خواهید دید در روز 22 بهمن، ملت ایران با حرکت کوبنده‌ی خود، يك بار دیگر دشمن را ناکام خواهد کرد... (3) حُسن کار این است که ملت بصیر است، بیدار است، معنای کار دشمن را می‌فهمد، حرکات دشمن را جهت‌یابی میکند؛ می‌فهمد چرا دشمن این سیاست را اتخاذ کرده است، نقطه‌ی مقابل او حرکت میکند، بر داشته‌های خود پافشاری میکند، حضور خود را در این عرصه‌ی عظیم عزت ملی نشان میدهد، خودش را نشان میدهد، حضور خودش را اثبات میکند؛ این حُسن قضیه است. بصیرت عمومی مردم در مقابل تبلیغاتی که دشمنان میکنند - بیشتر از همه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها - راه را اشتباه نمیکنند، دچار آن اشتباهی و خطایی که دشمن در پی آن است که ملت ایران دچار آن بشود، دچار نمیشوند؛ این حُسن قضایای عظیم ملی و کلان ما است.

حالا اخیراً آمریکایی‌ها باز مسئله‌ی مذاکره را پیش کشیدند، تکرار میکنند که آمریکا آماده است با ایران مذاکره مستقیم بکند؛ این تازگی ندارد. مسئله‌ی مذاکره را آمریکایی‌ها در هر مقطعی تکرار کرده‌اند. حالا امروز نوبه میدان آمده‌ها مجدداً تکرار میکنند که مذاکره کنید و می‌گویند توپ در زمین ایران است، توپ در زمین شماست، شما هستید که باید پاسخگو باشید، شما هستید که باید بگویید مذاکره‌ی همراه با فشار و تهدید، چه معنایی دارد؟ مذاکره برای اثبات حُسن نیت است. شما ده تا کار انجام می‌دهید که حاکی از سوء نیت است، آن وقت به زبان می‌گویید مذاکره؟! توقع دارید ملت ایران قبول کنند که شما حُسن نیت دارید؟! ما البته درک میکنیم چرا آمریکایی‌ها این روزها باز مجدداً مسئله مذاکره را هی تکرار میکنند، هی می‌گویند پشت سر هم به زبانهای گوناگون؛ ما می‌فهمیم علت چیست. به قول خود آمریکایی‌ها، سیاست خاورمیانه‌ای آنها دچار شکست شده. آمریکا در سیاستهای خود در این منطقه، دچار شکست است. احتیاج دارند به اینکه يك برگ برنده‌ای را به قول خودشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامی انقلابی مردمی را، بکشاند پای میز مذاکره؛ به این احتیاج دارند. میخواهند به دنیا اعلام کنند که ما حُسن نیت داریم. نه، ما حُسن نیتی مشاهده نمیکنیم. من چهار سال قبل - در اول این دولت کنونی آمریکا - که باز همین حرفها را می‌زدند، اعلام کردم، گفتم که ما پیشداوری نمیکنیم، قضاوت زودهنگام نمیکنیم؛ ما نگاه میکنیم عمل اینها چگونه است، آن وقت قضاوت خواهیم کرد. حالا بعد از چهار سال، قضاوت ملت ایران چه باشد؟ از فتنه‌ی داخلی حمایت کردند، به فتنه‌گران کمک کردند، در سطح منطقه با ادعای مبارزه با تروریسم به کشوری مثل افغانستان لشکرکشی کردند، این همه انسان را پامال کردند، نابود کردند؛ با همان تروریسم‌ها امروز دارند در سوریه همکاری میکنند، پشتیبانی میکنند؛ همان تروریسم‌ها را در

هرجایی که توانستند در ایران به کار بگیرند، به کار گرفتند، عوامل آنها، همپیمانهای آنها، جاسوسان رژیم صهیونیستی، دانشمندان را در جمهوری اسلامی ترور کردند صریح، اینها حاضر نشدند حتی محکوم کنند، حمایت هم کردند؛ این عملکرد آنهاست؛ علیه ملت ایران تحریمهایی را که خودشان میخواستند این تحریمها فلج کننده باشد، به کار گرفتند و این را تصریح کردند و گفتند فلج کننده. چه کسی را میخواستید فلج کنید؟ ملت ایران را میخواستید فلج کنید؟ شما حُسن نیت دارید؟ مذاکره از روی حُسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرفی که نمیخواهند به یکدیگر کلک بزنند، معنا پیدا میکند. مذاکره به صورت یک تاکتیک، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره یک حرکت حيله گراانه است؛ این حرکت واقعی نیست. من دیپلمات نیستم، من انقلابی ام، حرف را صریح و صادقانه میگویم. دیپلمات یک کلمه ای را میگوید، معنای دیگری را اراده میکند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را میزنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را میزنیم. مذاکره آن وقتی معنا پیدا میکند که طرف، حُسن نیت خود را نشان بدهد؛ وقتی طرف، حُسن نیت نشان نمیدهد، خودتان میگویید فشار و مذاکره؛ این دوتا با هم سازگار نیست. شما میخواهید اسلحه را مقابل ملت ایران بگیرید، بگویید: یا مذاکره کن یا شلیک میکنم. برای اینکه ملت ایران را بترسانید، بدانید ملت ایران در مقابل این چیزها مرعوب نخواهد شد... (4)

یک عده ای هم از روی ساده لوحی بعضاً، بعضی هم از روی غرض - نمیشود انسان قضاوت قطعی نسبت به اشخاص بکند، اما کار آدم ساده لوح، با کار آدم مغرض، در ماهیت خود تفاوتی پیدا نمیکند - خوشحال میشوند که بله، بیا بید نه، این جور نیست اینها، مذاکره مشکلی را حل نمیکند؛ مذاکره ی با آمریکا مشکلی را حل نمیکند؛ کجا اینها به وعده های خودشان عمل کردند. شصت ساله که از 28 مرداد 32 تا امروز در هر موردی که با آمریکایی ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند. یک روزی مصدق به آمریکایی ها اعتماد کرد، به آنها تکیه کرد، آنها را دوست خود فرض کرد، ماجرای 28 مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پُر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه ی پهلوی را سالهای متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواک تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این مال آن دوره است. بعد از انقلاب هم در برهه ای مسئولین کشور روی خوش بینی های خود به اینها اعتماد کردند، از آن طرف، سیاست دولت آمریکا، ایران را در محور شرارت قرار داد. مظهر شرارت شماست؛ شما هستی که در دنیا دارید شرارت میکنید، جنگ راه می اندازید، ملتها را میچاپید، از رژیم صهیونیستی حمایت میکنید، ملت های بپا خواسته را در این ماجرای بیداری اسلامی تا هر جا که بتوانید دچار سرکوب میکنید و به استضعاف میکشید و بین آنها اختلاف می اندازید؛ شرارت متعلق به شماست؛ شأن شماست. ملت ایران را متهم کردند به شرارت؛ اهانت بزرگ. هر جا به اینها اعتماد شد، اینها این جوری حرکت کردند. باید حُسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست؛ راه فشار با راه مذاکره دوتاست؛ امکان ندارد که ملت ایران قبول بکند که زیر چکمه ی فشار، زیر تهدید بیاید با طرف تهدید کننده و فشار آورنده مذاکره کند. مذاکره کنیم که چی؟ که چه بشود؟

امروز ملت ایران بیدار است. آمریکا - چهره ی آمریکا - نه فقط در ایران، در منطقه شناخته شده است؛ ملتها به آمریکا سوء ظن دارند و این سوء ظن قرائن متعددی برای آنها دارد؛ ملت ایران هم دست آمریکا را خوانده است، میفهمد که مقصود آنها چیست؛ ملت بیدار است. امروز اگر کسانی بخواهند سلطه ی آمریکا را مجدداً در این کشور برقرار کنند، بخواهند از منافع ملی، از پیشرفت علمی، از حرکت مستقل صرف نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت؛ بنده هم اگر بخوام بر خلاف این حرکت عمومی و خواست عمومی حرکت کنم، ملت اعتراض خواهد کرد؛ معلوم است. همه ی مسئولین موظفند منافع ملی را رعایت کنند؛ استقلال ملی را رعایت کنند؛ آبروی ملت ایران را حفظ کنند.

ما با کشورهایی که حرکت توطئه آمیز علیه ایران داشتند و ندارند، مذاکره کردیم، قرار داد بستیم، ارتباط برقرار کردیم؛ ملت ایران اهل مسالمت است؛ ملت ایران اهل حلم است؛ وحدت ملت ایران در خدمت منافع عمومی بشریت است؛ امروز آنچه که ملت ایران انجام میدهد برای منافع ملی، برای منافع امت اسلامی و برای منافع

بشریت است. و بدون تردید کمک الهی پشت سر ملت ایران است. مردم ایران با این بصیرت، با این عزم راسخ، با این ایستادگی‌ای که در این راه روشن خود نشان دادند و ان شاء الله همیشه این را دنبال خواهند کرد، خواهد توانست نه فقط ملت ایران را، ان شاء الله امت اسلامی را به اوج قله‌ی افتخار برسانند. راهش این است که این بصیرت را حفظ کنیم؛ راهش این است که اتحاد خودمان را حفظ کنیم؛ راهش این است که مسئولین کشور مصالح کشور را حفظ کنند. این بداخلاقی‌هایی که دیده می‌شود در برخی از عرصه‌ها و صحنه‌ها از بعضی از مسئولین کشور - که من حالا در آینده خواهم پرداخت به این بداخلاقی‌ها ان شاء الله؛ با مردم حرف خواهم زد - این بداخلاقی‌ها را بگذارند کنار. ملت يك دل است، مصمم است، فعال است. اگر اختلاف نظری هم در مسائل گوناگون در میان ملت وجود داشته باشد، در مقابل دشمن، در مقابل استکبار، در مقابل کسانی که کمر به ریشه‌کنی این ملت و این نظام بسته‌اند، همه‌ی مسئولین و آحاد ملت با هم هم‌دستند؛ هیچ اختلافی در این جهت بین آحاد ملت وجود ندارد. و ان شاء الله روز 22 بهمن، مردم باز هم نشان خواهند داد به فضل پروردگار، به توفیق الهی، که برای حفظ پایه‌های این انقلاب، همه‌ی ملت در صحنه هستند و آماده هستند و همدل و همزبان و هم‌جهتند و بی شک توفیق الهی هم شامل حال آنها خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- (1) آل عمران: 54
- (2) آل عمران: 111
- (3) تکبیر حصار
- (4) تکبیر حصار